



The Application Pattern of Oral History in the Analysis and Review of Susangerd Reconstruction

Somayyeh Eslami

¹ Master of Psychology, Researcher and Writer in the Field of Oral History of Contemporary Wars, Iran

Abstract: The war imposed on us in September 1980 directly involved 16 provinces, 87 cities, and 2676 villages, causing the destruction and devastation of over 328,340 urban residential and commercial units and 76,390 rural residential units, military occupation of some cities, and destruction of urban and rural facilities and their infrastructures. As a result, the UN delegation in 1991, upon witnessing the destruction, referred to it as an unimaginable tragedy and reported its extent to the UN as over 97.2 billion dollars. Among the devastated cities was Susangerd, whose reconstruction was undertaken by the people of Mazandaran even during wartime. This is while, from the sociological perspective of reconstruction, the rebuilding or restoration of any city in a war-torn region depends on temporal requirements, social needs, geographical location, facilities, capital, material and spiritual (human) forces, and cultural characteristics, considering social, economic, and industrial changes. Therefore, this research, using a descriptive-analytical method, with an emphasis on interviews and documents, first illustrates the dimensions of Susangerd's reconstruction by Mazandaran, even in wartime conditions. Then, it examines the role of oral history in studying this event.

Key Words: Reconstruction, Susangerd, Mazandaran, Oral History, War.

الگوی کاربردی تاریخ شفاهی در تحلیل و بررسی بازسازی سوسنگرد

سمیه اسلامی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی، پژوهشگر و نویسنده در حوزه تاریخ شفاهی جنگ‌های معاصر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

چکیده

جنگی که در شهریور ۱۳۵۹ بر ما تحمیل شد، ۱۶ استان و ۸۷ شهر و ۲۶۷۶ روستا را به طور مستقیم درگیر کرد و باعث تخریب و ویرانی بیش از ۳۲۸۳۴۰ واحد مسکونی و تجاری شهری و ۷۶۳۹۰ واحد مسکونی روستایی، اشغال نظامی برخی از شهرها و تخریب تأسیسات شهری و روستایی و زیرساخت‌های آنان شد؛ به طوری که هیئت اعزامی سازمان ملل در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱م)، با مشاهده خرابی‌ها، از آن به عنوان یک تراژدی غیرقابل تصور یاد کرد و میزان آن را بیش از ۹۷/۲ میلیارد دلار به سازمان ملل گزارش داد. از جمله شهرهای ویران‌شده سوسنگرد بود که مردم مازندران در همان شرایط جنگی، بازسازی آن را به عهده گرفتند. این در حالی است که از دید جامعه‌شناسی بازسازی، بنای مجدد یا ترمیم هر شهر در منطقه جنگ‌زده به مقتضیات زمانی، نیازهای اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، امکانات، سرمایه‌ها، نیروهای مادی و معنوی (انسانی)، ویژگی‌های فرهنگی با توجه به تغییرات اجتماعی، اقتصادی و صنعتی بستگی دارد. از این رو، این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی، با تأکید بر مصاحبه و اسناد، ابتدا ابعاد بازسازی سوسنگرد توسط مازندران، آن هم در شرایط جنگی را نشان می‌دهد. سپس نقش تاریخ شفاهی در بررسی این واقعه را بررسی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بازسازی، سوسنگرد، مازندران، تاریخ شفاهی، جنگ.

درآمد

سوسنگرد که در ۶۰ کیلومتری شمال غربی اهواز قرار گرفته است، در گذشته «خفاجیه» نام داشت. در دوره صفویه به دست سادات «آل مشعشع» سپرده شد و تا اواخر دوره قاجاریه وسعت زیادی نداشت. پس از چندی، طایفه «بنی طرف» به این ناحیه کوچ کرد و موجب توسعه و پیشرفت آن شد. در دوره پهلوی، نام آن از خفاجیه به سوسنگرد تغییر یافت.

نژاد مردم سوسنگرد آریایی و سامی است و عمدتاً از طایفه بنی طرف هستند. آنها به زبان فارسی و عربی سخن می‌گویند. مذهبشان نیز شیعه اثنی عشری است. بر اساس سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، جمعیت سوسنگرد به ترتیب ۱۴۴۲۰ تن و ۲۰۴۲۴ تن بود. فرآورده‌های کشاورزی سوسنگرد گندم، جو، برنج و تره‌بار را می‌توان نام برد. مهم‌ترین اقلام صادراتی این شهر عبارت‌اند از: فرآورده‌های دامی، صیفی‌جات و غلات. دهلاویه، هوفل، ساریه، آلبوغری شمالی و جنوبی و ابوحمیظه، از روستاهای مهم سوسنگرد هستند. (حبیبی، ۱۳۸۱)

رودخانه کرخه از شمال شهر، و شعبه‌ای از آن به نام نیسان از درون شهر، و از شمال به جنوب می‌گذرد. این شهر از لحاظ مرزی و سوق‌الجیشی اهمیت زیادی دارد. همچنین، سابقه‌ای درخشان در دفاع از کشور، به ویژه در جنگ جهانی اول، در مقابل سربازان و نیروهای انگلیس، تحت زعامت علمای بزرگ وقت دارد. (پوررکنی، ۱۳۸۸)

از این رو، وجود سه عامل جمعیت، زمین‌های کشاورزی و رودخانه کرخه و شعبات آن، از دلایل مهم پیشروی عراقی‌ها در این شهر، برای حمله به مرکز استان خوزستان به شمار می‌روند. همین‌ها باعث شد تا در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، سوسنگرد جزو شهرهای اشغال‌شده استان خوزستان باشد.

اگرچه شهر پس از مدت‌ها درگیری رزمندگان و نیروهای بومی منطقه با بعضی‌ها در خرداد سال ۱۳۶۰ آزاد شد، حجم خرابی‌ها آن را برای بسیاری از اهالی غیرقابل سکونت کرده بود. در این شرایط، آیت‌الله روحانی، امام

جمعه وقت شهرستان بابل که در سفری به سوسنگرد، از نزدیک شاهد وضعیت بحرانی آن بود، پس از خبر آزادسازی سوسنگرد با مشورت مسئولان استان، پیشنهاد بازسازی این شهر را طی نامه‌ای به امام خمینی (ره) داد. امام هم این پیشنهاد را پذیرفت و مازندران رسماً معین سوسنگرد برای بازسازی شد.

اکنون با گذشت بیش از ۴۰ سال از بازسازی سوسنگرد، ضرورت دارد تا نسل‌های حال و آینده ایران عزیز از چرایی و چگونگی این واقعه مطلع شوند و در جریان همبستگی و اتحاد مردمی برای این کار قرار بگیرند. علاوه بر این، مهم است که همگان به نقش تاریخ شفاهی در ثبت و ضبط وقایع پی ببرند و به مشکلاتی که در نبود اسناد معتبر از یک حادثه وجود دارند، آگاهی یابند. شاید این امر کمک کند تا نسل اکنون از ثبت سندهای مربوط به حوادث کنونی غافل نشوند.

از این رو، در این مقاله تلاش خواهد شد به این پرسش پاسخ داده شود که تجربه به‌کارستن الگوی تاریخ شفاهی در بررسی مقوله بازسازی چگونه بوده است.

پیشینه پژوهش

بازسازی که در تاریخ، از آن به تعمیر و تجدید عمارت یاد شده است، عبارت از بازگرداندن اثر به وضعیتی نزدیک به وضع اولیه است که با به‌کارگیری مواد جدید یا سنتی صورت می‌گیرد و منجر به خلق مجدد قسمتی از اثر می‌شود که بر پایه شواهد و استناد علمی و تاریخی استوار است. (قربانیان، ۱۳۸۹)

بازسازی در ایران سابقه طولانی دارد؛ زیرا علاوه بر واقع‌بودن قسمت‌هایی گسترده از کشورمان در کمربند زلزله و روبه‌رو شدن با حوادث طبیعی دیگر، مانند طغیان رودها و وقوع سیل، به سبب ویژگی جغرافیایی نیز، هرازچندگاهی، مردم با یورش‌هایی ویرانگر روبه‌رو می‌شدند و پس از مدتی، بازسازی مناطق ویران‌شده از جنگ آغاز می‌شد.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد و برای گردآوری اطلاعات از شیوه میدانی-کتابخانه‌ای با تکیه بر مصاحبه‌ها و اسناد استفاده شد.

برای رسیدن به نتایج صحیح و مستندسازی، نهادهای ذی‌ربط استان مازندران، خوزستان و سوسنگرد درگیر این پژوهش شدند. با وجود تلاش همه این نهادها، کار با مشکلات زیادی روبه‌رو شد؛ شاید مهم‌ترین مانع، اسناد و مدارک مربوط به این واقعه مهم بود که مشمول بی‌توجهی افراد و سازمان‌ها در گذر زمان شده و از بین رفته بودند. بخش عمده اسنادی که در نهایت جمع‌آوری شدند، از آرشیو مردمی بود که در بازسازی حضور داشتند.

با تمام این مسائل، ابتدا حدود ۴۰ مجله (پیام انقلاب، مکتب انقلاب، رویدادها و تحلیل‌ها و ...) و آرشیو روزنامه جمهوری اسلامی در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ بررسی شدند. همین امر باعث شد تا اطلاعات اولیه خوبی در اختیار پژوهشگر قرار بگیرد.

در مرحله بعد، مصاحبه حضوری با اقشار مختلف مازندرانی و خوزستانی، به ویژه مردم و مسئولان سوسنگرد طی سفری به سوسنگرد در دستور کار قرار گرفت. ۱۳۰ پرسش طراحی شدند که از هر مصاحبه‌شونده، متناسب با ارتباطش به بازسازی سوسنگرد پرسیده می‌شد. در طراحی این پرسش‌ها، رعایت دقیق اصول علمی و روان‌شناسی مورد توجه بود.

گفتنی است، افراد بسیاری مانند آیت‌الله روحانی، نماینده امام خمینی (ره) برای بازسازی سوسنگرد در استان مازندران، و مهندس مجدآرا، استاندار وقت مازندران که در این واقعه نقش کلیدی داشتند، به رحمت خدا رفتند و پژوهشگر از اطلاعات آنها محروم بود. از قبل هم مصاحبه یا دست‌نوشته‌ای از این افراد برجای نمانده بود تا بتوان از آنها استفاده کرد. از طرفی، عده‌ای دیگر از مسئولان اصلی بازسازی اساساً حاضر به همکاری نبودند و با این نگاه، مشکلی بر مشکلات قبلی افزودند.

از این رو، درباره مقوله بازسازی کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری منتشر شده‌اند؛ برای مثال، افسری‌پور و زرینی (۱۳۸۹)، مشترکاً در کتابی با عنوان چیزی مثل جنگ، نقش جهاد سازندگی استان خراسان در بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده دشت آزادگان را بررسی می‌کنند.

همچنین، چمران (۱۳۶۴) در مقاله‌ای با عنوان «جنگ و بازسازی»، تبعات جنگ در ویرانی شهرها و خرابی‌های ناشی از ۸ سال دفاع مقدس را بررسی می‌کند.

درباره تاریخ شفاهی و استفاده از آن در بحث بازسازی، متأسفانه آثار چندانی وجود ندارد. به نظر می‌رسد هنوز به ضرورت ورود به این حوزه توجه کافی نمی‌شود. با این حال، می‌توان به مقاله آذری خاکستر (۱۳۹۰) با عنوان «تاریخ شفاهی در خدمت جنگ، مروری بر تاریخ شفاهی بازسازی هویزه» اشاره کرد. وی در این مقاله نقش آستان قدس رضوی در بازسازی هویزه با کمک تاریخ شفاهی و اسناد را بررسی می‌کند.

همچنین است مقاله سکندری و آذری خاکستر (۱۴۰۱) با عنوان «آستان قدس رضوی و نوسازی هویزه؛ با تأکید بر اسناد و تاریخ شفاهی». این مقاله نیز با تکیه بر اسناد و تاریخ شفاهی، نگاهی به تلاش آستان قدس در بحث بازسازی می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا سبک شهرسازی در هویزه و هویت تاریخی و معماری شهری آن متناسب با فرهنگ مردم این منطقه بوده است.

با تمام آنچه گفته شد، باید اذعان کرد درباره پژوهش فعلی، یعنی بحث بررسی بازسازی سوسنگرد و نقش تاریخ شفاهی در آن، تا کنون مقاله‌ای ارائه نشده است؛ اما کتابی توسط اسلامی (۱۳۹۵) با موضوع بازسازی سوسنگرد؛ چیزی مثل جنگ تدوین شده است. این کتاب نقش مازندران در بازسازی شهر سوسنگرد در اوایل دهه ۶۰ بررسی می‌کند.

با توضیحاتی که داده شد، هدف این پژوهش بررسی چرایی و چگونگی بازسازی سوسنگرد توسط مازندران و نیز طرح این فرضیه است که تاریخ شفاهی و اسناد در این گونه پژوهش‌ها مؤثر هستند.

جمع واحدهای مسکونی تخریب‌شده در مناطق روستایی جنگ‌زده در مجموع ۸۴۷۳ روستا، بالغ بر ۲۰۲۳۵۶ واحد می‌باشد.

به طور کلی، واحدهای مسکونی ویران و نیمه ویران که نیاز به بازسازی و نوسازی دارند، بالغ بر ۵۴۹۳۹۱ واحد است.» (ص. ۵۲)

در این میان، در گزارشی در همان سال‌های اول جنگ درباره فعالیت‌های ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده در خصوص خسارت‌های برخی از شهرهای استان خوزستان چنین آمده است:

جدول ۱. گزارش خسارت برخی از شهرهای استان خوزستان (بی‌نا، ۱۳۶۳، ص. ۵۱)

نام شهر	۲۰ تا ۵۰ درصد تخریب	۵۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب
اهواز	۲۷۳۳ واحد	۲۱۵ واحد
آبادان	۴۰۹۳۰ واحد	۷۱۳ واحد
دزفول	۱۳۴۶ واحد	۲۲۷ واحد
سوسنگرد	۸۰ واحد	۲۲۴۵۶ واحد
شوش	۲۷۹۲ واحد	۴۶ واحد

از آن طرف، مردمی که در اثر حمله ناگهانی عراق آواره شده بودند، بدون هیچ سرمایه و امکانات و لوازم زندگی، به شهرهای دیگر مهاجرت کردند و با مشکلات بسیاری مواجه شدند. آواره‌های جنگی، علاوه بر بی‌سرپناهی و نگرانی آینده، با فرهنگ ویژه خود، وارد شهرهای بزرگی شدند که دارای زندگی متفاوتی بودند؛ و این برای جامعه بسیار نگران‌کننده بود. هرچند در بیشتر استان‌ها، مکان‌هایی برای اسکان افراد جنگ‌زده در نظر گرفته شدند، این دست امور نمی‌توانست اصل مشکل این افراد را که همان دورشدن از خانه و کاشانه‌شان بود، حل کند.

گفتنی است، طبق آماری که ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده در سال ۱۳۷۱ منتشر کرد، تعداد کل

در نهایت، این پژوهش، با قریب به ۵۰ ساعت مصاحبه با افراد مرتبط به بازسازی سوسنگرد، ۲۰۰ برگ سند و ۲۵۰ برگ جریده مربوط به سال‌های ۶۱ و ۶۲ مستند شد.

بحث درباره یافته‌ها

بازسازی سوسنگرد

در حمله ناجوانمردانه رژیم بعث عراق به کشورمان در همان دو سال اول جنگ، بیشتر روستاهای مناطقی که مورد حمله واقع شدند، به همراه تمام امکانات رفاهی و زیربنایی آنها ویران شدند. شهرها نیز وضعیت بهتری نسبت به روستاها نداشتند؛ بیشتر خانه‌ها، مغازه‌ها، فروشگاه‌ها، اماکن اقتصادی، و حتی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها نیز، مورد هجوم دشمن قرار گرفتند.

چمران (۱۳۶۴) درباره خسارت‌های ناشی از جنگ تحمیلی می‌گوید:

«پنج استان کشور با شش میلیون نفر جمعیت و با وسعتی معادل یک دهم خاک ایران، مستقیماً درگیر جنگ بودند که خسارات و ویرانی‌های فراوانی را متحمل شدند. شهرهای قصرشیرین، سومار، مهران، موسیان، نفت‌شهر، خسروی و هویزه صددرصد ویران شدند.

شهرهای گیلان‌غرب، شوش، سوسنگرد، بستان، خرمشهر، آبادان، کَرند، سرپل‌ذهاب، دهلران، ایلام، بانه، مریوان، سردشت، اروندکنار و دزفول بین ۱۵ تا ۸۵ درصد ویران شدند.

به طور کلی ۶۱ شهر بمباران شده و موشک خورده، و حداقل ۱۷۴۴۵۹ واحد ساختمانی، تجاری، مسکونی و فرهنگی تخریب شد.

از مناطق روستایی کشور، ۳۰۱ روستا در استان ایلام، ۳۴۱ روستا در استان باختران (کرمانشاه) و ۴۹۷ روستا در استان خوزستان با خاک یکسان شدند. ۱۷۰۵ روستا در آذربایجان غربی و ۱۲۴۴ روستا در استان کردستان به وسیله آتش مستقیم و غیرمستقیم عراق خسارت سنگینی دیدند.

رهبری، استاندار و نماینده‌ای از جهاد سازندگی استان تشکیل می‌شدند.

در آن زمان، استان مازندران تا اوایل سال ۱۳۶۷، معین استان ایلام در بخش موسیان - دهلران بود. طبق گزارش ستاد بازسازی و نوسازی کشور، بنیاد مسکن مازندران فقط در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۲، به میزان ۴۶۶ متر زیربنا در مناطق مختلف دهلران که تحت پوشش مازندران بود، احداث کرد. علاوه بر آن، این بنیاد در بازسازی روستاهای دشت عباس و عین‌خوش نیز فعال بود؛ از جمله در روستای ثارالله، ۴۸ واحد مسکونی بنا کرد. (ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی - جهاد سازندگی، ۱۳۶۲)

علاوه بر این، مازندران بازسازی شهر سوسنگرد را به عنوان شهری جنگ‌زده به عهده گرفت. باید اشاره کرد که منطقه جنگ‌زده به محلی اطلاق می‌شود که به طور مستقیم در اثر تهاجم دشمن خارجی یا گروه‌های محارب داخلی صدمه دیده، یا در اثر اشغال آنان، خسارت‌هایی دیده، یا در اثر عوامل تبعی جنگ، از جمله متروک‌ماندن و عوامل جوی تخریب شده باشد.

از این رو، طبیعی است که خوزستان با توجه به توزیع استانی خسارت‌ها، با ۳۴/۲۷ درصد خرابی، بیشترین ویرانی‌های ناشی از جنگ را متحمل شود و جزو اولین استان‌های جنگ‌زده کشور به شمار آید.

از این رو، بر اساس تصویب شورای عالی و ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی، شهرهای مختلف این استان، از جمله آبادان، خرمشهر، دزفول، شوش، سوسنگرد، بستان و هویزه، اهواز، اندیمشک و ...، مناطق جنگ‌زده اعلام شدند و نیازمند بازسازی و نوسازی بودند. در این میان، مازندران معین سوسنگرد شد و بازسازی این شهر را به عهده گرفت. اما پرسش اینجاست: چرا سوسنگرد؟!

بر اساس گزارش ستاد بازسازی خوزستان، جمع کل ساختمان‌های موجود در شهر سوسنگرد - شامل مسکونی، تجاری و دولتی - ۳۷۶۴ واحد بود که ۲۹۰۹ واحد آن در

مهاجران کشور ۱۱۱۳۰۳۹ نفر در قالب ۲۳۱۱۷۵ خانوار بود. (ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، ۱۳۷۱)

این حجم از ویرانی و نیز آوارگی مردم مناطق جنگ‌زده باعث شد تا پس از پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات بیت‌المقدس و دورشدن شهرها و روستاهای دشت آزادگان از تیررس دشمن، امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۱۲ فرمان بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده را صادر کنند.

در پی فرمان امام و حرکت مردم در راستای بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، ستادی برای این منظور تحت نظارت شورای عالی بازسازی و نوسازی، متشکل از نماینده رهبری، نخست‌وزیر و وزیر کشور تشکیل شد. اما نمایندگان این ستاد، متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های دفاع، راه و ترابری، مسکن و شهرسازی، نفت، صنایع سنگین، کشاورزی، صنایع بازرگانی، امور اقتصاد و دارایی کشور، جهاد سازندگی و سپاه، و همچنین نمایندگان بنیاد امور مهاجران جنگ تحمیلی، بنیاد مسکن و سازمان برنامه و بودجه بودند. این ستاد تحت ریاست وزیر کشور اداره می‌شد.

در هر یک از این وزارتخانه‌ها یا نهادها نیز، در رابطه با بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، ستادی تشکیل شده بود که وظیفه نظارت بر عملیات مجریان طرح‌های بازسازی و نوسازی مربوط به همان وزارتخانه یا نهاد و ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌های مجریان طرح‌ها در استان‌های مختلف را به عهده داشت. (بی‌نا، ۱۳۶۳، ص. ۴۷)

ناگفته نماند که مردم هر یک از استان‌های سراسر کشور نیز مسئولیت بازسازی و نوسازی قسمتی از مناطق جنگ‌زده را به عهده گرفتند که این اقدام تحت تشکیلاتی به نام «ستادهای معین» شکل گرفت. ستادهای استانی، متشکل از بالاترین مقام مسئول ادارات کل وزارتخانه‌ها و نهادهای عضو ستاد مرکزی، زیر نظر شورای عالی استان بودند که با شرکت امام جمعه مرکز استان یا نماینده مقام

اثر بمباران‌های متمادی ویران شدند. این ستاد، وضعیت تخریب را به شرح زیر اعلام کرده است:

جدول ۲. وضعیت تخریب ساختمان‌های موجود در سوسنگرد

نوع ساختمان	۲۰ درصد تخریب	کمتر از ۵۰ درصد تخریب	۵۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب
مسکونی	۶۹ واحد	۱۱ واحد	۲۲۴۵ واحد
مسکونی - تجاری	۶ واحد	۱۲۲ واحد	۳۹ واحد
تجاری	۱۰ واحد	۲۹۴ واحد	۱۸ واحد
اداری	—	۹ واحد	۹ واحد
درمانی	—	۲ واحد	—
آموزشی	—	۴ واحد	۱۱ واحد
مذهبی	—	۱۳ واحد	۱ واحد
خدمات عمومی	۴ واحد	۲۸ واحد	۱۲ واحد
ورزشی	—	۲ واحد	—

بدیهی است، غیر از واحدهای نام‌برده، به تأسیسات شهری نیز خسارت‌های عمده‌ای وارد شد. برای مثال، آسیب‌های وارد شده به ۴۰ کیلومتر خط فشار ضعیف، ۵۰ کیلومتر خط فشار قوی ۳۲ هزار کیلو وات، ۱۲۰ دستگاه ترانسفورماتور با ظرفیت‌های مختلف، کنتور کابل ۶۰۰۰ اشتراک و ... باعث شد تا اعلام شود شبکه هوایی برق سوسنگرد ۷۵ درصد خسارت دیده است. البته تخریب بین ۲۰ تا ۱۰۰ درصد ۴۸۹ باب مغازه یا خسارت بیش از دو میلیون تومانی به مراکز درمانی سوسنگرد نیز خود گویای میزان صدماتی است که از جهات مختلف بر پیکره این شهر وارد آمده بود. (ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، ۱۳۶۳)

با توجه به این سطح از ویرانی، واضح است، مردم بومی مجبور به مهاجرت از خانه و کاشانه خود شدند و شهری که بر اساس گزارش مهندسان برنامه‌ریزی، در سال ۱۳۵۹، حدود ۱۹۰۷۲ نفر جمعیت داشت، خالی از سکنه شد.

از آنچه گفته شد، می‌توان فهمید این شهر به کمک جدی یک استان دیگر برای بازسازی نیازمند بود. علاوه بر

این، در ایامی که هنوز بخشی از سوسنگرد در محاصره دشمن بعثی بود، اتفاق دیگری نیز افتاد؛ آیت‌الله هادی روحانی - نماینده امام در مازندران - به همراه جمعی از ائمه جمعه استان، برای بازدید از مناطق جنگی، به جنوب سفر کردند و از قضا، به سوسنگرد نیز رفتند.

آیت‌الله معلمی که آن زمان امام جمعه جویبار بود، درباره این سفر می‌گوید:

«در ایام جنگ، آن زمانی که سوسنگرد هنوز در محاصره دشمن بود، بنده به همراه آیت‌الله روحانی، آیات عظام جباری، تقوایی، نورالله طبرسی، پدر شهید ولی‌نژاد و عده‌ای دیگر، برای بازدید از مناطق جنگی به جنوب رفتیم. در این سفر، از سوسنگرد هم بازدید کردیم. آن زمان خالی از سکنه بود و فقط نیروهای نظامی در آن‌جا حضور داشتند. شهر در تیررس دشمن بود؛ طوری که به محض پیاده شدن از ماشین، با فاصله‌ای کمتر از صد متر، یک خمپاره نزدیک ما به زمین خورد. نیروهای نظامی داخل مقر، از ترس اینکه مبادا برای آقای روحانی اتفاقی بیفتد، سریع آمدند و گفتند که به داخل سنگر برویم و پناه بگیریم. اما آیت‌الله روحانی با لحن خاص خودشان فرمودند: «برادر! نگران نباشید. ما هم مثل شما هستیم و دوشادوش شما حرکت می‌کنیم. اتفاقی نمی‌افتد.»

در آن سفر، وضعیت سوسنگرد و خرابی‌هایش، و اینکه دشمن بعثی، آلات قمار و شراب را در شهر گسترده بود، آیت‌الله روحانی و همه ما را خیلی متأثر کرد. لذا وقتی خبر آزادسازی سوسنگرد رسید، ایشان، چهار، پنج نفر از ائمه جمعه را به مدرسه صدر سابق (حوزه علمیه خاتم الانبیا (ص)) در بابل دعوت کردند و گفتند که اگر موافق باشید، مازندران بازسازی این شهر را به عهده بگیرد.

در حقیقت، از خصوصیات پسندیده ایشان، همین مشورت کردن بود. یعنی هم به ما و هم به استاندار، قضیه را گفتند و وقتی موافقت همه را گرفتند، برای امام^(۵)، نامه نوشتند تا از ایشان اجازه بازسازی را بگیرند. (معلمی، ۱۳۹۳، صص. ۸-۱)

به نظر می‌رسد مشاهدات آیت‌الله روحانی در سفر به سوسنگرد و مواجهه با حجمی وسیع از ویرانی‌ها، و نیز وضعیت اسفناک فرهنگی شهر، ایشان را ترغیب کرد تا پس از آزادی سوسنگرد، پیشنهاد بازسازی آن را مطرح کند.

همین امر باعث شد تا بعد از مشورت با مسئولان استانی، طی تلگرافی در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۶۱، از امام (ره) تقاضا کند اجازه بازسازی این شهر را به مازندران بدهند. متن این تلگراف به شرح زیر است:

«باسمه تعالی

پیشگاه مبارک آیت‌العظمی‌الامام الخمینی، رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، با تصدیق سلام؛

به شکرانه فتوحات روان‌بخش و پیروزی‌های عظمت‌آفرین، به خصوص پیروزی بزرگ خرمشهر مقدس توسط رزمندگان عزیز و فرزندان برومند و ایثارگر اسلام در جنگ تحمیلی عراق که استکبار جهانی و ابرقدرت جنایتکار آمریکا به وسیله مزدور و برده کافر خود، صدام به وجود آورد، بخشی از بلاد معموره ملت مظلوم ایران را ویران ساخت و برادران و خواهران مسلمان ما را آواره کرد. اکنون که هنگام بازسازی مناطق جنگی فرا رسید، برای موعودت آوارگان عزیز به وطن مالوف خود، مردم شریف و به‌پاخاسته استان مازندران آمادگی دارند تا یکی از شهرهای مخروبه جنگی را نوسازی کنند. لذا با کسب اجازه از مقام منبع آن قائد عظیم‌الشان، با تعاون علمای اعلام و ائمه جمعه و جماعت و وعاظ محترم و نهادهای انقلابی استان مازندران، به خصوص جهادسازندگی، امید است شهر مقدس سوسنگرد را نوسازی [کرده] از این طریق، خدمت کوچکی به خواهران و برادران بزرگوار آن سامان افتخاراً انجام گیرد. از انقاس قدسیه، ملتسم دعا. نماینده امام و امام جمعه بابل، هادی روحانی». (تلگراف، ۱۳۶۱/۳/۴)

صمد صالح‌طبری - خبرنگار سابق صداوسیما استان مازندران - در رابطه با انتشار خبر بازسازی سوسنگرد می‌گوید:

«یک روز حاج‌آقا روحانی به من تلفن کردند که بیا با شما کار دارم. من هم حدود ساعت ده صبح به ساختمان قدیمی مدرسه صدر رفتم. جلسه‌ای بود که حاج‌آقا در آن جلسه گفتند: استخاره به قرآن کردم و تصمیم گرفتم تا با امام صحبت کنم که اجازه بدهند مازندران، بازسازی سوسنگرد را به عهده بگیرد. از من پرسیدند که این موضوع را چگونه اطلاع‌رسانی کنیم؟ گفتم: شما یک متن بنویسید. من آن را، هم برای دفتر امام تلگراف می‌کنم و هم به صدا و سیمای استان می‌رسانم. ایشان هم یک متن نوشتند. یاد می‌آید که از مخابرات مقابل باغ ملی، نامه آیت‌الله روحانی را برای دفتر امام تلگراف کردم. بعد به صدا و سیمای ساری تلفن کردم و متن نامه را برای آنها خواندم. ساعت دو در شبکه سراسری و ساعت پنج هم در شبکه‌های محلی رادیو و تلویزیون پخش شد. بعد از آن هم، تا پایان بازسازی سوسنگرد، اخبار مربوط به این اتفاق را اطلاع‌رسانی می‌کردیم.» (صالح‌طبری، ۱۳۹۳، صص. ۱-۳)

خوب است در اینجا اشاره کنیم صداوسیما مازندران، به ویژه رادیوی استان در آن زمان، نقش خوبی را در انعکاس اخبار مربوط به بازسازی ایفا می‌کرد.

روز بعد از ارسال این نامه به محضر امام خمینی (ره)، روزنامه‌های وقت خبر این اتفاق را منتشر کردند. برای مثال، روزنامه جمهوری اسلامی در تیتیری با عنوان «بازسازی مناطق آزادشده توسط امت حزب‌الله مازندران» نوشت:

«از سوی حجت‌الاسلام هادی روحانی - نماینده امام خمینی در استان مازندران و ائمه جمعه و ائمه جماعات و واعظ شهرهای استان مازندران - طی تلگرامی به محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، ضمن عرض تبریک و تهنیت به مناسبت پیروزی‌های درخشان رزمندگان دلیر اسلام در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، از مقام معظم رهبری استدعا شده است تا بازسازی شهر سوسنگرد به عهده مردم شهیدپرور و متعهد استان مازندران واگذار شود.» (روزنامه جمهوری، ۱۳۶۱/۳/۵، ص. ۴)

عبدالحمید عالی‌زاده و عده‌ای دیگر از مسئولان، برای بررسی وضعیت سوسنگرد، به آنجا سفر کردند. در این سفر، تشکیلات ستاد بازسازی در این شهر پی‌ریزی شد. این هیئت در فرمانداری سوسنگرد مستقر شدند و چارت سازمانی ستاد مدنظر را تهیه کردند.

این سفرها و جلسات متعدد باعث شد تا ستادهای بازسازی خوزستان و مازندران به هماهنگی‌های لازم برای انجام هرچه بهتر کارها برسند. باید گفت این نوع جلسات برای هماهنگی مسائل مختلف تا پایان کار بازسازی ادامه داشتند. در این باره، می‌توان به خبر روزنامه جمهوری از نشستی در استانداری مازندران در سال ۱۳۶۲ اشاره کرد:

«قائم‌شهر: ستاد بازسازی و نوسازی سوسنگرد مستقر در استان مازندران با حضور آقای مجدآرا (استاندار مازندران)، حجت‌الاسلام روحانی (امام جمعه بابل)، حجت‌الاسلام طبرسی (امام جمعه ساری)، آقای طاهائی (معاون سیاسی استانداری)، آقای نریمان (معاون عمرانی استانداری)، مهندس حاج سید جوادی (مدیر کل مسکن و شهرسازی)، و چند تن از مسئولین، در ساختمان استانداری با تلاوت آیاتی از قرآن مجید تشکیل گردید و پیرامون برنامه‌ریزی در هفته بازسازی از تاریخ ۱۴ تا ۲۰ خرداد و تدوین برنامه بازسازی در ماه مبارک رمضان بحث و گفتگو شد. در این نشست آقای «آل‌رضا»، به عنوان مسئول اجرایی ستاد بازسازی سوسنگرد در استان مازندران انتخاب گردید. همچنین از سوی حجت‌الاسلام روحانی، مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از کمک‌های مالی مردم شهیدپرور استان به حساب بازسازی شهرستان سوسنگرد واریز شد.» (روزنامه جمهوری، ۱۳۶۲/۳/۴، ص. ۴)

اما از اقداماتی که در این نشست‌ها به تصویب رسید و اثربخشی بسیاری هم داشت، تقسیم‌بندی سوسنگرد بود؛ در واقع، برای سرعت‌بخشیدن به کار بازسازی، در جلسه‌ای با حضور اعضای اصلی ستاد بازسازی و نوسازی سوسنگرد در مازندران، تصمیم گرفته شد تا قسمت‌های مختلف شهر بین شهرستان‌های مازندران آن زمان تقسیم شوند. برای مثال، ابوجلال شمالی را شهرستان بابل بازسازی کند؛ به

امام خمینی (ره)، پس از رؤیت این تلگرام، از آن استقبال کردند و پذیرفتند که بازسازی سوسنگرد به عهده مردم مازندران قرار گیرد. از این رو، از این زمان به بعد بود که مسئولان استانی درصدد برنامه‌ریزی برای بررسی این واقعه بزرگ برآمدند.

تشکیل ستاد بازسازی سوسنگرد

بعد از موافقت امام (ره)، ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی سوسنگرد، با عضویت آیت‌الله روحانی (نماینده ولی فقیه وقت در استان مازندران)، مرحوم مهندس مجدآرا (استاندار وقت مازندران) و ائمه جمعه استان تشکیل شد. در اولین قدم، یک سمینار یک‌روزه در ساختمان ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) در ساری با حضور کلیه اعضا برگزار شد. در این سمینار، خبر بازسازی سوسنگرد توسط مازندران به اطلاع کلیه مدعوین رسید. در آنجا، این بحث مطرح شد که اگر قرار است نتایج خوبی اتفاق بیفتد، به همدلی و هماهنگی جمعی، چه از طرف نهادها و چه مردم نیاز است.

پس از این سمینار، جلساتی متعدد برای هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف در مازندران برگزار شدند. علاوه بر این، نشست‌های استانی و شهرستانی، جلسات مختلف برای هماهنگی و سرعت بیشتر در کار و نیز حسن انجام آن در سوسنگرد برگزار شدند.

پس از این نشست‌های اولیه، موضوع در شهرستان‌ها توسط ائمه جمعه به اطلاع مردم رسید. از طرفی، از نهادهای مختلف نیز افرادی به این ستاد مأمور شدند. و به این طریق، هسته اولیه بازسازی در مازندران شکل گرفت.

هفدهم مرداد ۱۳۶۱ بود که یک گروه به سرپرستی آقایان شهری (فرماندار) و مهندس محسن نریمان (شهردار بابل) برای برپایی مقدمات اجرایی بازسازی، در رأس هیئتی عازم سوسنگرد شدند. (روزنامه جمهوری، ۱۳۶۱/۵/۱۸، ص. ۴)

سپس، آیت‌الله روحانی به همراه استاندار فقید، یعنی مهندس مجدآرا، آیت‌الله طبرسی، ربیع فلاح جلودار،

عین‌خوش را نیز به عهده داشت. (ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، ۱۳۶۳)

چگونگی منابع مالی بازسازی

اساساً در هر بازسازی، فقط طرح‌ریزی اولیه نمی‌تواند کاری از پیش ببرد، بلکه نیاز به امکانات لازم و استفاده اصولی از آنهاست. این امکانات شامل بودجه، نیروی انسانی، مواد اولیه، تجهیزات و فناوری می‌شود. در این میان، مسئله مالی بزرگ‌ترین دغدغه انجام چنین کارهایی است. از این رو، در کنار برنامه‌ریزی برای انجام بازسازی سوسنگرد، در محل ستاد برگزاری نماز جمعه تمامی شهرستان‌های مازندران، دفتری آماده شد که وظیفه‌اش ثبت‌نام نیروهای مردمی برای اعزام به سوسنگرد و نیز جمع‌آوری هدایای نقدی و غیرنقدی بود.

به طور کلی، بودجه بازسازی مناطق جنگ‌زده توسط دولت تأمین می‌شد؛ به این صورت که دولت میزان بودجه این کار را تعیین می‌کرد و به ستاد بازسازی کل کشور تحویل می‌داد. سپس، این ستاد، با توجه به میزان خسارت و ویرانی مناطق، برای هر یک از ستادهای استانی بودجه‌ای تخصیص می‌داد. اما نکته جالب توجه در بازسازی سوسنگرد این است که ستاد مازندران این شهر را بدون اینکه حتی یک ریال بودجه از دولت بگیرد، فقط با کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردم ولایت‌مدار مازندران بازسازی کرد. البته این به معنای عدم استفاده از وسایل دولتی نیست؛ ادارات موظف بودند تا تجهیزاتی همچون لودر، بولدوزر، کامیون و ... را در اختیار ستاد بازسازی بگذارند، ولی کلیه هزینه‌های دستگاه مدنظر، مانند سوخت، خرابی، حقوق راننده و ... همه و همه را ستاد می‌پرداخت. در این میان، گاهی نیز برای کم‌شدن هزینه‌ها، از راننده‌های داوطلب استفاده می‌کرد. در نهایت، پس از پایان مدت زمان مشخص‌شده، وسیله مدنظر به اداره مربوط تحویل داده می‌شد. (معلمی، ۱۳۹۳، ص. ۹)

برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی، شورای عالی بازسازی و نوسازی، در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱۹، سه حساب

این صورت که ستاد کلیه وسایل و امکانات مورد نیاز بابل را برای بازسازی یا نوسازی بخش ابوجلال شمالی تهیه می‌کرد و در اختیار مسئولان بابلی که برای آن قسمت انتخاب شده بودند، می‌گذاشت. سپس، مسئولان و کارگران بابل اقدام به تعمیر یا ساخت بناهای همان بخش می‌کردند و مابقی قسمت‌ها در حیطه وظایف آنها نبودند.

این تقسیم‌بندی به شرح زیر انجام شده بود:

ابوجلال جنوبی به شهرستان آمل، ابوجلال شمالی به بابل، خزعلیه به تنکابن، اباذر جنوبی به نوشهر و چالوس، اباذر شمالی به رامسر، کوی امام خمینی دوم به نکا، جنب گاراژ اهواز - سوسنگرد به بابلسر، محدوده خیابان حسینیّه اعظم به محمودآباد و بهشهر، خیابان طالقانی - شط - کوچه حاتمی به بهشهر، خیابان روشن تختی به سوادکوه، قسمتی از منطقه فلسطین به قائمشهر، باقی‌مانده منطقه فلسطین و خیابان مصدق قدیم به ساری، خیابان رضایی‌ها بر شط به گلوگاه و بخشی از خیابان نهر به نور واگذار شد. (اسلامی، ۱۳۹۵)

گفتنی است، از آنجا که در آن زمان استان گلستان جزئی از مازندران محسوب می‌شد، بازسازی بخش‌هایی از سوسنگرد به عهده آنها بود؛ برای مثال، خیابان نهر به آزادشهر و مینودشت، انتهای خیابان شهید رحیم سیاهی (نهر سابق) به بندرگز، خیابان مشروطه و باقی‌مانده کوی امام به گرگان، خیابان شریعتی و خیابان شهدا به بندر ترکمن، منازل جاده سوسنگرد - اهواز و جاده کوی سازمانی به علی‌آباد و در نهایت باقی‌مانده قسمتی از خیابان طالقانی به گنبد واگذار شد.

شاید یکی از دلایلی که باعث شد تا کار بازسازی سوسنگرد در حدود یک سال و نیم به پایان برسد، همین بخش‌بندی مناطق مختلف سوسنگرد و سپردن آنها به شهرهای مختلف مازندران بود.

باید اشاره کرد، هم‌زمان با این تقسیم‌بندی، جهاد سازندگی استان مازندران بازسازی روستاهای عمه و شرفه از توابع سوسنگرد و نیز روستاهای واقع در دشت عباس و

بانکی مجاز را اعلام کرد: حساب ۲۲۲ بانک ملی به نام شهید رجایی، حساب ۱۳۴۴ جهاد سازندگی و حساب ستاد پشتیبانی استان به نام امام جمعه و استاندار محل. این شورا اضافه کرد ائمه جمعه شهرستان‌ها می‌توانند حساب‌هایی با مشارکت فرماندار، تحت عنوان ستاد پشتیبانی شهری افتتاح کنند و با ستاد پشتیبانی استان هماهنگی لازم را داشته باشند. (ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، ۱۳۶۱)

بر مبنای دستورالعمل این شورا، برای بازسازی سوسنگرد، حسابی با شماره ۳۳۳۳ در بانک صادرات افتتاح شد که صاحبان این حساب آیت‌الله روحانی و مهندس مجدآرا بودند. عالی‌زاده نحوه استفاده از این حساب را این‌گونه بیان می‌کند:

«در بحث کمک‌های مردمی، به محض اینکه ستاد بازسازی در مازندران شکل گرفت، حسابی در بانک صادرات که به گمانم ۳۳۳۳ بود، باز شد. صاحبان امضای این حساب هم، آیت‌الله روحانی و آقای مجدآرا بودند. روند کار هم این‌جوری بود که ائمه جمعه سراسر استان، کمک‌های نقدی را جمع می‌کردند و به این حساب می‌ریختند. بعد، ما از طریق ستاد مستقر در سوسنگرد، اعلام می‌کردیم که فلان قدر پول نیاز داریم. بر حسب نیاز ما، از حساب برداشت و به حساب ستاد مستقر در سوسنگرد واریز می‌شد. صاحب حساب سوسنگرد، هم من بودم و هم آقای مجدآرا. دو، سه تا کارپرداز در ستاد سوسنگرد داشتیم که به امور مالی رسیدگی می‌کردند. گاهی هم پول را به طور مستقیم، به کارخانه یا جایی که از آن خرید کرده بودیم، واریز می‌کردند. مثلاً آهن می‌خریدیم، بعد ستاد مازندران هزینه آن را برای کارخانه مورد نظر واریز می‌کرد.» (عالی‌زاده، ۱۳۹۳، صص. ۶۷-۶۸)

از طرف دیگر، برای تسهیل در روند پرداخت نقدی برای مردم، حساب‌های فرعی توسط ائمه جمعه شهرستان‌ها نیز افتتاح شدند. از جمله این حساب‌ها می‌توان به ۳۳۳ بانک المهدی رامسر، ۴۴۴ امام جمعه بهشهر، ۶۳۵۵ امام جمعه قائم‌شهر، ۹۰ بانک صاحب‌الزمان

آمل، ۶۸۱ بانک تجارت نور، ۶۲۵ بانک سپه امیرکلا، ۵۴۷ امام جمعه بندرگز و ... اشاره کرد.

اما حساب‌های بانکی یکی از راه‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی بود. واحدهای تبلیغات وابسته به ائمه جمعه سراسر استان نیز کارهایی مختلف را به منظور اطلاع‌رسانی برای جمع‌آوری کمک انجام می‌دادند. برای مثال، صندوق‌های زیادی در سراسر استان توزیع می‌شدند که در کنار صندوق‌های کمک به جبهه‌ها قرار می‌گرفتند. مردم هم از سکه طلا و جواهرات گرفته تا پول توجیبی، دانش‌آموز، به ستاد بازسازی کمک می‌کردند. از طرفی، عده‌ای هم مأمور شده بودند تا این صندوق‌ها را در سطح شهر و روستاهای اطراف بچرخانند. حتی گاه با بلندگو، حضور خود را اطلاع می‌دادند.

برپایی چادرهای کمک به مناطق جنگ‌زده در سطح شهر نیز جزو برنامه‌های این واحدها بود. نصب پارچه با محتوای مربوط به بازسازی هم شیوه دیگر تبلیغات به شمار می‌رفت. معمولاً روی این پارچه‌ها، سخن یا پیامی از امام (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای یا مسئولان کشوری نوشته و در ستادهای مربوط به بازسازی یا در اماکن پرزدحام شهر نصب می‌شد. از جمله این پیام امام بود: «بازسازی را هم، چیزی مثل جنگ بدانید و سعی کنید این امر از طریق مردم حل شود. (امام خمینی (ره))» جالب است بدانید در بررسی بحث حمایت‌های مردمی برای بازسازی سوسنگرد، به نکاتی ویژه رسیدیم که نشانگر همدلی و مشارکت عمومی مازندرانی‌ها برای تحقق این مهم بودند؛ یکی از آن نکات هدیه کردن هزینه قربانی عید غدیر به بازسازی است؛ مردم محمودآباد، آمل و حومه، با درخواست حجت‌الاسلام سید حسین حسینی (امام جمعه محمودآباد) تصمیم گرفتند تا به جای قربانی گوسفند در عید قربان سال ۱۳۶۱، بهای آن را برای کمک به بازسازی سوسنگرد، به شماره حساب ۵۰۰۰ صندوق قرض‌الحسنه حضرت ولی‌عصر محمودآباد واریز کنند. (روزنامه جمهوری، ۱۳۶۱/۷/۵، ص. ۴)

در مجموع، کمک‌های نقدی مردم مازندران به بازسازی سوسنگرد، طبق آماری که ستاد بازسازی مازندران اعلام

به نظر می‌رسد پس از جمع‌آوری نیرو به روش‌های یادشده، این افراد توسط ستاد بازسازی شهرستان‌ها سازمان‌دهی، و بر مبنای اعلام نیاز ستاد مستقر در سوسنگرد، به این شهر اعزام می‌شدند. در این مدت، بیش از سیزده هزار نفر نیروی تخصصی - از کارگر و بنا تا مهندس و طراح - از مازندران به سوسنگرد رفتند و در آنجا مشغول به خدمت شدند. بیشتر این نیروها برای دوره‌های ۴۵ روزه تا سه‌ماهه به سوسنگرد اعزام می‌شدند. البته بودند کسانی که ضرورت داشت مدت زمان بیشتری در آنجا بمانند. مانند مسئولان اصلی یا انبارداران و دو نفر از مسئولان ستاد بازسازی مستقر در سوسنگرد در این باره می‌گویند:

«در طول این چهارده، پانزده ماه، شاید نزدیک به سیزده هزار نیرو از مازندران به سوسنگرد آمدند و کمک کردند؛ از کارگر و بنا گرفته تا مهندسان راه و ساختمان و بعضاً شرایطی پیش می‌آمد که ما در منطقه‌ای از سوسنگرد، به نیروی تخصصی مثل جوشکار نیاز داشتیم. لذا، این را به مسئولین همان بخش می‌سپردیم؛ یعنی مسئولی که بازسازی آن قسمت شهر را به عهده داشت، خودش به شهرستان مورد نظر اعلام می‌کرد که ما به جوشکار یا سفیدکار و ... نیاز داریم. از این طریق، جوشکاران همان شهر که از قبل به صورت داوطلب ثبت‌نام کرده بودند، به سوسنگرد اعزام می‌شدند. گاهی یک بنا با چهار، پنج تا کارگر تا ساعت هشت، نه شب هم کار می‌کردند تا خانه‌ها زودتر ساخته شود و مردم از آن وضعیت نجات پیدا کنند. (طالبیان، ۱۳۹۳، ص. ۵۵)

«ما هم تجهیزات لازم را برای‌شان فراهم می‌کردیم و سپس آنها را به بخش مربوط به آن شهرستان می‌فرستادیم. این نیروها نیز، اغلب مردمی و داوطلب بودند و جز در مواردی محدود، هزینه‌ای دریافت نمی‌کردند. آنهایی هم که مبلغی می‌گرفتند، کسانی بودند که شغل خاص داشتند. مثلاً ما یک انبار موتوری داشتیم که پر از وسایل مورد نیاز - از میخ گرفته تا چکمه و لباس کار و ... - برای بازسازی بود. چون نمی‌توانستیم مدام مسئول این انبار را عوض کنیم، لذا

کرد، ۲۸۰ میلیون و ۴۷۸ هزار و ۸۱۹ تومان بود. البته همان‌طور که گفته شد، شهرستان‌های استان گلستان را نباید از قلم انداخت. سهم آنها از این مبلغ ۲۸ میلیون تومان بود. (آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران، ۱۳۹۵-۱۳۹۳)

چگونگی جذب و اعزام نیروهای متخصص و عادی

همان‌طور که می‌دانیم، در اصول اولیه بازسازی، اگر برنامه‌ریزی و بودجه کافی داشته باشیم، ولی نیروی انسانی لازم در اختیارمان نباشد، با شکست مواجه می‌شویم. از این رو، در ستاد پشتیبانی برنامه‌ریزی شد تا همان‌گونه که برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی تبلیغ می‌شود، برای اعزام نیروهای مورد نیاز نیز اطلاع‌رسانی شود. این امر معمولاً از طریق رادیو و تلویزیون، نماز جمعه، تبلیغات در سطح شهر و میادین اصلی به وسیله بلندگو و نصب پارچه، استفاده از روزنامه‌های وقت و ... انجام می‌شد. برای مثال، در سال ۱۳۶۲، ستاد بازسازی قائم‌شهر، طی اطلاعیه‌ای در روزنامه جمهوری، نسبت به ثبت‌نام افراد با تخصص‌هایی ویژه اعلام نیاز کرد. متن این خبر به شرح زیر است:

«ستاد بازسازی سوسنگرد؛ مستقر در شهرستان قائم‌شهر، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: این ستاد برای بازسازی شهرستان قهرمان‌پرور سوسنگرد، نیاز مبرم به وانت بار و جوشکار، بنا، سفیدکار و سیمان‌کار دارد. علاقمندان به کمک، جهت ثبت‌نام به ستاد بازسازی و نوسازی مستقر در فرمانداری این شهرستان مراجعه نمایند.» (روزنامه جمهوری، ۱۳۶۲/۲/۲۴، ص. ۴)

در کنار موارد بالا، باید به نقش جهاد نیز در جذب نیرو اشاره کرد. برای مثال، در شهرستان جویبار که در آن زمان زیر نظر قائم‌شهر بود، جهاد دفتری داشت که مسئول آن آقای «موسوی شیخ» بود. بنا، نجار، سفیدکار و خلاصه هر کس هر تخصصی که داشت، به این دفتر جهاد مراجعه و نام‌نویسی می‌کرد. سپس، برحسب نیازی که ستاد مرکزی اعلام می‌کرد، این افراد دسته‌بندی می‌شدند و به سوسنگرد می‌رفتند. (معلمی، ۱۳۹۳، صص. ۲ و ۵)

بر زندگی شخصی آنها ارجحیت پیدا کرده بود. این خانواده‌ها در بیست واحد خانه سازمانی که توسط ستاد بازسازی تعمیر شده بودند، با کمترین امکانات استقرار یافتند تا کمکی در این امر انسانی باشند. آنها حتی در تهییج و تشویق نیروها، سرکشی به خانواده‌های شهدای سوسنگردی، سخنرانی در محافل و مدارس و ... فعالیت می‌کردند.

چگونگی ساخت و سازها

برای دست‌اندرکاران ستادهای بازسازی مهم بود که بر مبنای اصول درست شهرسازی و بافت فرهنگی و اجتماعی منطقه، کاری انجام دهند که مناطق جنگ‌زده را به شرایطی بهتر از قبل برسانند.

برای این منظور، در آغاز مسیر برای بازسازی مناطق جنگی، سه راهکار ارائه شدند که عبارت بودند از: اول: تهیه مسکن در نواحی جدید شهر و واگذارکردن به ساکنان محلات بمباران‌شده. این راه، اگرچه به لحاظ سرعت و سهولت اجرا می‌توانست بهترین راه باشد، بلافاصله باعث تسریع در گسترش شهر و منجر به تخلیه محلات قدیمی آن می‌شد.

دوم: بازسازی محله بمباران‌شده با طرح جدید و بدون توجه به حدود مالکیت و با در نظر گرفتن خصوصیات قدیمی بافت و اقلیم. اگرچه این راه حل قابلیت انطباق با شرایط امروز را داشت و مصالح و عناصر جدید را دارا بود، بر هم زدن حدود مالکیت مشکلات متعددی را به وجود می‌آورد؛ زیرا حدود مالکیت ریشه در تاریخ تک‌تک خانواده‌ها و توارث داشت.

سوم: حفظ بافت قدیم با تغییرات مختصر در آن برای ایجاد دسترسی‌های ماشینی به وسیله تعریض معابر. ویژگی این روش این بود که بافت ارگانیک شهر، هماهنگ با شرایط اقلیمی-فرهنگی شکل گرفته در آن حفظ می‌شد. علاوه بر این، اجرای آن با توسل به مقررات شهری ساده‌تر بود و کمترین تغییر در مالکیت‌ها صورت می‌گرفت. (ستاد معین بازسازی و نوسازی خرمشهر، ۱۳۶۴).

نیاز به یک نیروی دائمی داشتیم که بداند هر چیزی کجا قرار دارد. لذا، به این فرد مبلغی به عنوان حقوق می‌دادیم. ولی در کل، نیروها به صورت داوطلب کار می‌کردند؛ البته گاهی به نیروهای تخصصی‌تر مثل مهندسان، طراحان و ... نیازمند بودیم که این‌ها را اغلب از طریق ادارات کل تأمین می‌کردیم. یعنی مثلاً از مسکن و شهرسازی، مهندسان مربوطه به سوسنگرد اعزام می‌شدند؛ یا از بهداری، پزشک می‌آمد. این‌ها نیز، چون از طرف ادارات ذی‌ربط خودشان مأمور بودند، عملاً از ما حقوقی دریافت نمی‌کردند.» (عالی‌زاده، ۱۳۹۳، صص. ۶۹-۷۳)

در مجموع، به نظر می‌رسد قریب به ۱۳۲۵۶ نفر از مازندران آن زمان، برای بازسازی سوسنگرد، داوطلب، و به این شهر اعزام شدند.

در ابتدای بازسازی سوسنگرد، از آنجا که هنوز امکاناتی در شهر وجود نداشت، نیروهای اعزامی در حسینیه‌ای مستقر شده بودند که ظاهراً هم از لحاظ وسعت و هم امکانات محدودیت‌های زیادی داشت. اندکی بعد از شروع بازسازی، با مشورت آقای بصیرزاده و هماهنگی آقای فروزنده (استاندار خوزستان)، یک مرغداری تخریب‌شده به مساحت ۲۲۰۰ متر، در اختیار ستاد قرار گرفت. طبیعتاً این مکان به‌خودی‌خود جای اسکان نبود. برای همین، مسئولان ستاد به‌سرعت اقدام به ساخت بنای آسایشگاه در این مرغداری و آن را تجهیز کردند. سرویس بهداشتی، حمام، آشپزخانه و ... نیز در همین مکان تعبیه شدند. از آن پس، کلیه نیروهای مازندرانی اعزامی به سوسنگرد در این آسایشگاه سکونت یافتند. (بصیرزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۲)

نکته دیگری که لازم است در اینجا به آن اشاره شود، حضور خانواده‌های برخی از مسئولان در سوسنگرد است. خانواده‌های این افراد، به دلیل اقامت طولانی آنها در این شهر برای بازسازی، ترجیح دادند به سوسنگرد بیایند و در آنجا مستقر شوند. اگرچه این کار مخاطرات خود را داشت، به نظر می‌رسید در آن برهه از زمان، کسی به این خطرات توجهی نمی‌کرد؛ و دغدغه‌های دینی و میهنی افراد

ساختمان‌هایی که بازسازی شدند، خانه‌های سازمانی و حسینیه‌ای بودند که برای استقرار نیروها و ستاد در نظر گرفته شده بودند. البته از آن نظر که این نیروها نیازمند تغذیه نیز بودند، آماده‌سازی آشپزخانه هم در اولویت ساخت قرار گرفت.

پس از آماده‌سازی امکانات اولیه برای نیروهای بازسازی‌کننده، ساخت منازل، انبار، مساجد، حوزه علمیه، مراکز اقتصادی مانند مغازه‌ها، ادارات و نهادها، ساخت مدرسه و درمانگاه و حتی غسالخانه و برخی از قبوری که تخریب شده بودند هم در دستور کار ستاد قرار گرفت.

برخی از جاها که جزو تأسیسات بنیادی برای شروع و ادامه کار محسوب می‌شدند، در اولویت قرار گرفتند؛ برای مثال، اگر کارگاه آجرپزی راه‌اندازی نمی‌شد، کار ساخت‌وساز منازل با وقفه روبه‌رو بود؛ یا اگر واحد تعمیرگاه موتوری بنا نمی‌شد، ستاد برای استفاده بهینه از وسایل موتوری، با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شد. همچنین، به منظور تسریع در ایجاد واحدهای مسکونی، علاوه بر ارسال مصالح و تجهیزات از مازندران و خرید از خوزستان، سه واحد کوره آجرپزی به ظرفیت ۳۳۰ هزار قالب و یک کارگاه موزائیک‌سازی و کارگاه دروپنجره‌سازی هم در منطقه احداث شدند.

گفتنی است، ساخت‌وسازهای زیربنایی شهر با ستاد بازسازی خوزستان بودند؛ برای مثال، اداره برق خوزستان وظیفه کشیدن کابل‌های اصلی برق را به عهده داشت، اما برق‌کشی داخل خانه‌ها از سیم‌کشی تا نصب کلید و پریز را ستاد بازسازی مازندران انجام می‌داد. این مسئله شامل برق، آب، مخابرات و همچنین تعیین مالکیت اصلی زمین‌ها و بحث جاده‌سازی و ... هم می‌شد.

نکته‌ای که به نظر می‌رسد در این بخش باید به آن اشاره شود، نحوه دریافت امکانات از ستاد توسط شهرستان‌های فعال در روند بازسازی بود. پیش‌تر گفته شد مناطق مختلف سوسنگرد میان شهرستان‌های مازندران تقسیم شدند تا کار بازسازی زودتر به سرانجام برسد. از این رو، مسئولان هر شهرستان باید مصالح و نیازمندی‌های

با توجه به این سه راهکار، مازندران در بازسازی سوسنگرد، روش سوم را در پیش گرفت و بدون تغییر مکان شهر یا دست‌زدن به حدود مالکیت‌ها، سعی کرد با تغییراتی مختصر، ویرانی‌ها را از نو بسازد. از آنجا که به نظر دست‌اندرکاران این امر، درست این بود که بازسازی باید بر مبنای روح حاکم بر فضای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر انجام می‌شد و بخشی از مشکلات آسیب‌دیدگان را حل می‌کرد، وگرنه هر آنچه اتفاق می‌افتاد، عنوان ساختمان‌سازی را به خود می‌گرفت و شهروندان نسبت به آن احساس تعلق نمی‌کردند، در بازسازی سوسنگرد، تلاش شد این امر در حد مقدمات آن زمان اتفاق بیفتد. برای مثال، اهالی سوسنگرد در آن زمان عمدتاً دارای احشام (گاو و گوسفند) بودند. برای همین، ایجاد فضایی برای حل مشکل نگهداری آنها در دستور کار ستاد بازسازی قرار گرفت. عالی‌زاده در این باره می‌گوید:

«در نوسازی، به دلیل اینکه خانه‌های تخریب شده، اغلب مقاوم نبودند، ما برای بنای جدید، با حضور مهندسان، نقشه‌ای تازه می‌کشیدیم تا ساختمان حتماً مقاوم‌سازی شود. البته به نوع زندگی مردم آن‌جا هم توجه می‌کردیم. مثلاً مردم آن‌جا گاو و گوسفند زیاد داشتند. من یاد می‌آید که به یک پیرزنی برخورد کرده بودیم که به دلیل تخریب خانه‌اش، با گوساله‌ای که داشت، در یک اتاق زندگی می‌کرد. ما نه تنها خانه این پیرزن را دوباره ساختیم، بلکه برای گوساله‌اش هم جای مناسبی درست کردیم. می‌خواهم بگویم حتی به احشام هم توجه می‌شد.» (عالی‌زاده، ۱۳۹۳، صص. ۲۸ و ۳۷)

اولین و مهم‌ترین هدف ستادهای بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده فراهم کردن زمینه بازگشت مردم به شهرها و روستاهای خود بود. برای این کار، ساخت اماکن مسکونی و خدماتی مهم، مانند بیمارستان‌ها ضروری به نظر می‌رسید. از این نظر، ستاد بازسازی سوسنگرد ساخت منازل افراد را در اولویت کاری خود قرار داد.

با این حال، برای شروع، لازم بود تا مکان استقرار نیروهای اعزامی آماده شود. برای همین، اولین

مختلف، دیوان‌نویسی و پارچه‌نویسی برای تبلیغات، و موارد زیادی از این دست. (اسلامی، ۱۳۹۵)

برای اجرای این برنامه‌های فرهنگی، گاه به وسایلی نیاز بود. ستادهای بازسازی شهرستان‌های مختلف، در کنار اقلام ضروری دیگر، نیازمندی‌های فرهنگی از جمله پارچه، رنگ، کتاب و ... را نیز تهیه و ارسال می‌کردند. یک نمونه از این امر را در زیر می‌خوانید:

«از سوی ستاد بازسازی شهرستان سوسنگرد مستقر در قائم‌شهر، یک دستگاه وانت بار حامل آمپلی فایر، رادیو ضبط، پارچه و رنگ پلاستیک، جهت واحد فرهنگی شهرستان قهرمان‌پرور سوسنگرد ارسال شد.» (روزنامه جمهوری، ۱۳۶۲/۲/۱۴، ص. ۴)

پایان بازسازی

مازندران در روز چهارشنبه، اول دی‌ماه ۱۳۶۲، کلیه پروژه‌های مربوط به بازسازی سوسنگرد را تکمیل کرد و تحویل مردم مقاوم و غیور این شهر داد. جالب است بدانیم این روز، مصادف با ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۴۰۳ قمری، یعنی روز میلاد سراسر نور رسول مکرّم اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) و نیز میلاد با سعادت امام جعفر صادق (ع) بود. به مناسبت تقارن این دو اتفاق فرخنده، مراسم جشنی به عنوان اختتامیه بازسازی سوسنگرد، با حضور مردم و مسئولان این شهر، نماینده حضرت امام در مازندران، ائمه جمعه شهرهای مختلف، مقامات اجرایی استان خوزستان و مازندران و همچنین تعدادی از مسئولان کشوری، در آسایشگاه محل استقرار نیروهای مازندرانی برگزار شد. در این مراسم، چند تن از مهمانان، از جمله آیت‌الله ناطق نوری (وزیر وقت کشور)، آقای آخوندی (مسئول بازسازی مناطق جنگی در وزارت کشور)، آقای مجدآرا (استاندار مازندران)، آیت‌الله سیدصابر جبّاری (امام جمعه بهشهر) و علی طرفی (امام جمعه سوسنگرد) سخنرانی کردند و درباره عملکرد ستاد بازسازی گزارش دادند.

در این همایش، آقای هاشم‌پور، شهردار گرگان، کار اجرای مراسم را به عهده داشت و نامه دو دانش‌آموز

خود را از ستاد مرکزی مستقر در سوسنگرد تهیه می‌کردند. برای این کار، حواله‌هایی در اختیار داشتند و از طریق آنها، نیازهایشان را دریافت می‌کردند. فلاح‌پور، سرپرست منطقه امیرکلا در سوسنگرد در این باره می‌گوید:

«برای تهیه وسایل مورد نیازمان حواله داشتیم؛ مثلاً در حواله می‌نوشتیم که صد هزار آجر و صد کیسه سیمان و ... برای این خانه نیاز داریم. سپس این حواله را به ستاد بازسازی مستقر در سوسنگرد می‌دادیم و آنها برایمان تهیه می‌کردند. البته به طور مستمر هم، برای سرکشی و بازدید می‌آمدند. در واقع تهیه مصالح و امکانات با ستاد بود. حتی در و پنجره یک ساختمان را به تقاضای ما می‌آمدند اندازه می‌گرفتند و تا ما خانه را بسازیم، آنها در و پنجره را آماده می‌کردند.» (فلاح‌پور، ۱۳۹۳، صص. ۱۳ و ۲۰)

در نهایت، این حواله‌ها به امور مالی ستاد ارجاع داده می‌شدند و آنها به کلیه اسناد مالی رسیدگی می‌کردند. در واقع، بررسی‌های لازم را بین حواله دریافتی و مصالح استفاده‌شده انجام می‌دادند و در صورت لزوم، بر مبنای فاکتورهای رسیده، به طرفیت بانک ملی یا صادرات چک می‌کشیدند.

در پایان این بخش، بیان یک نکته جالب توجه است و آن توجه به بحث فرهنگی در همان زمان بازسازی شهر است. با توجه به اینکه حدود سه چهار ماه پس از شروع بازسازی، اهالی مقاوم شهر دسته‌دسته به سوسنگرد بازگشتند، مسئولان امر با وجود مشغله کاری، تدابیری اندیشیدند تا نیروهای مخصوص کار فرهنگی از مازندران اعزام و در سوسنگرد مستقر شوند. این افراد برنامه‌هایی مختلف را تابع شرایط موجود، در دستور کار خود قرار دادند؛ برخی از این کارها به شرح زیر بودند:

تشییع پیکر شهدا، سرزدن به خانواده شهدا و عرض تسلیت به آنها، برگزاری مراسم ویژه شهدا، برپایی مراسم سیاسی و مذهبی مانند جلسات سخنرانی، اجرای تئاتر، ایجاد کتابخانه ثابت، برنامه‌ریزی برای سفرهای فرهنگی کوتاه‌مدت مانند بازدید از مناطق جنگی، برگزاری نماز جمعه و جماعت، بیان احکام شرعی در موقعیت‌های

مأمور شده بود. وی که شاهد عینی بازسازی سوسنگرد توسط مازندران‌هاست، می‌گوید:

«خانه من در خیابان شهید صالح طرفی، جنب مسجد جامع و از محله‌های قدیمی سوسنگرد است. یک خانه دو طبقه ۱۲۵ متری که به برکت مردم مازندران، توانستیم دوباره آن را بسازیم. موقع جنگ، حدود هشتاد درصد خانه در بمباران خراب شده بود و دیگر قابل اسکان نبود. آن موقع منطقه ما را به تنکابنی‌ها سپرده بودند. یک آقای به نام «جمالی» آمد، خانه را بررسی کرد و به من گفت که بازسازی این‌جا فایده ندارد. خانه را خراب کن تا با کمک هم آن را از نو بسازیم. خلاصه کارگر گرفتیم و یک درصدی از مزدش را خودم دادم، بقیه را ستاد پرداخت کرد. مصالح مثل آهن و آجر، وسایل لوله‌کشی و... را هم، ستاد بازسازی مازندران به ما می‌داد. در کمتر از یک سال، خانه را ساختیم. در و پنجره گذاشتیم و سفیدکاری هم کردیم. الحمدلله با بازسازی‌های این مدت، مدارس و مغازه‌ها هم باز شده بودند و شهر به حالت عادی برگشته بود. برای همین، من خانواده‌ام را به شهر برگرداندم. مردم سوسنگرد، به خصوص نسل ما، هیچ‌وقت کمک‌های مردمی و انسان‌دوستانه مردم مازندران را در آن زمان فراموش نمی‌کنند. ما از یکایک ائمه جمعه و جماعات مازندران، به خصوص تنکابنی‌های عزیز، به خاطر این همدلی و همت، تشکر خالصانه می‌کنیم.» (ربیع، ۱۳۹۵، صص. ۱-۱۵)

نتیجه

این پژوهش جزئیات واقعه‌ای تاریخی به نام بازسازی سوسنگرد را نشان داد؛ اینکه چرا و چگونه این شهر بعد از ویرانی، دوباره به حیات برگشت و زندگی در آن جریان یافت. پُر واضح است، در این کار تلاش شد تا فرهنگ و زیست‌بوم مردم منطقه مورد توجه قرار گیرد تا شهروندان آسیب کمتری ببینند. مهم‌تر از آن، همدلی و اتحاد افراد و سازمان‌ها، چه در مازندران و چه خوزستان و حتی خود سوسنگرد کاملاً چشمگیر و غیرقابل انکار است.

سوسنگردی به نام‌های «مرضیه هدایتی و اُدیعه موسوی» در تقدیر و تشکر از مردم مازندران قرائت شد. در پایان مراسم، نماز وحدت در پارک شهدای هفت تیر سوسنگرد برگزار شد. (عالی‌زاده، ۱۳۹۳، صص. ۸۴-۸۸)

اوایل سال ۱۳۶۳ بود که آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، سفری سه‌روزه به مازندران داشت و از نزدیک، عملکرد ستاد بازسازی را بررسی کرد. ایشان پس از آن، در خطبه دوم نماز جمعه که در بیستم اردیبهشت ۱۳۶۳ در تهران برگزار شد، با اشاره به عملکرد مازندران‌ها در بحث بازسازی فرمود:

«من می‌خواهم از این جایگاه امن و مطمئن، از همه برادران و خواهران مازندران در حضور شما تشکر کنم و از آنها به خاطر تلاشی که می‌کنند [تا] در خدمت انقلاب [باشند] و به خاطر حضوری که در صحنه دارند، سپاسگزاری کنم. مردمی مومن و بانشاط در صحنه، و جوانانی پر شور و بحمدالله مسئولینی دلسوز و بصیر در آن استان (مازندران) هستند.» (آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران، ۱۳۹۳-۱۳۹۵)

اگرچه در اول دی‌ماه ۱۳۶۲، کار بازسازی خاتمه یافت، عده‌ای در سوسنگرد مانند تا کارهای پایانی، مانند انتقال ادوات و تحویل آسایشگاه و... را انجام دهند. در این مدت، باقی‌مانده امکانات و ادواتی که مصرفی نبودند و می‌شد دوباره از آنها استفاده کرد، با هماهنگی آیت‌الله روحانی و آیت‌الله جزایری، به آیت‌الله قاضی (نماینده امام و امام جمعه دزفول) تحویل داده شد. این امکانات شامل ماشین سواری، تانکر آب، اجاق گاز، وسایل آشپزخانه و... بود. البته چکی هم به مبلغ پنج میلیون تومان به همراه این وسایل تقدیم آیت‌الله قاضی شد تا در بازسازی دزفول از آن استفاده شود. (عالی‌زاده، ۱۳۹۳، صص. ۸۶-۸۷)

و این، پایان حماسه‌ای بود به نام بازسازی سوسنگرد که به‌حق، چیزی شبیه جنگ به نظر می‌رسید؛ ناصر ربیع فرزند محمد، متولد ۱۳۳۱، از اهالی سوسنگرد است که در زمان جنگ، خانه‌اش حدود هشتاد درصد ویران شده بود. او بازنشسته اداره بهداشت است که در آن زمان، به سپاه

۴. توصیه می‌شود از اسنادی که در اختیار افراد مربوط به یک واقعه هستند، غافل نشوید. در این پژوهش، بسیاری از اسنادها از جمله حکم‌ها، نامه‌های اداری، عکس‌های بازسازی و ... از آرشیو خصوصی کارگران و مسئولان حاضر در بازسازی سوسنگرد جمع‌آوری شدند. فقط حتماً اصل امانتداری و بازگرداندن این اسنادها باید رعایت شود تا اعتماد این افراد به پژوهشگران از بین نرود.

با تمام آنچه گفته شد، این پژوهش نشان داد حتی در دوران جنگ و در اوج تهدید و تهاجم دشمن نیز می‌توان با همدلی و اتحاد، ویرانی‌های مناطق جنگی را بازسازی کرد.

منابع

- آذری خاکستر، غلامرضا (۱۳۹۰). تاریخ شفاهی در خدمت جنگ؛ مروری بر تاریخ شفاهی بازسازی هویزه. مجموعه مقاله‌های همایش ملی تاریخ شفاهی با محوریت دفاع مقدس (به کوشش غلامرضا عزیزی). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- آرشیو روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۶۱).
- آرشیو روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۶۲).
- آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران (۱۳۹۵-۱۳۹۳). پژوهشی بر نقش مازندران در بازسازی سوسنگرد.
- اسلامی، سمیه (۱۳۹۵). بازسازی سوسنگرد چیزی مثل جنگ. مازندران: نشر سرو سرخ.
- افسری‌پور، پروانه، و رزینی، سعید (۱۳۸۹). چیزی مثل جنگ (جهاد سازندگی خراسان در بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده دشت آزادگان). خراسان: انتشارات مسلمان.
- بی‌نا (۱۳۶۳). نگاهی به بازسازی شهرهای جنگ‌زده. مجله پیام انقلاب، ۴۶-۵۱.
- پوررکنی، محمدامین (۱۳۸۸). نبردهای دشت آزادگان (کارنامه تاریخ جغرافیای مناطق عملیاتی غرب اهواز

در عین حال، این پژوهش به‌خوبی نقش اسناد و تاریخ شفاهی را در بررسی یک واقعه تاریخی به نمایش گذاشت؛ زیرا بیشتر آنچه در این پژوهش به عنوان محتوا استفاده شده، نتیجه بررسی اسناد (شامل عکس، روزنامه‌ها، سند کتبی مانند نامه‌های اداری و ...) و مصاحبه‌هایی است که در اختیار پژوهشگر قرار گرفت. ولی محدودیت‌ها و مشکلاتی هم وجود داشتند که به دو دلیل باید آنها را مدنظر قرار داد: اول، برای سهولت کار پژوهشگران بعدی؛ دوم، برای آموزش به نسل اکنون تا از جمع‌آوری و ثبت اسناد مربوط به وقایع غافل نشوند و بدانند این امر چه ارزشی در آینده خواهد داشت. در زیر به آنها اشاره‌ای کوتاه خواهم داشت:

۱. در مسیر انجام این پژوهش، پژوهشگر دریافت روزنامه‌ها در عین اینکه سندی معتبر هستند، بی‌اشکال نیستند. برای مثال، برخی از اسامی یا تاریخ‌ها را اشتباه نوشته بودند؛ اما از آنجا که اسناد معتبر دیگری نیز وجود داشتند، این موارد راست‌آزمایی و اصلاح شدند. از این رو، پژوهشگران باید در استفاده از این نوع اسناد دقت لازم را داشته باشند.
۲. در بخش مصاحبه، متأسفانه مرور زمان بیش از ۴۰ سال، گرد فراموشی بر داشته‌های افراد پاشیده بود. از این رو، به شدت توصیه می‌کنم برای هر واقعه مهمی، در نزدیک‌ترین زمان ممکن سراغ افراد مربوط به آن، برای مصاحبه بروید.
۳. در کمال تعجب و تأسف، بیشتر ادارات، به ویژه استانداری‌های مازندران و خوزستان که جزو مراجع اصلی کار بازسازی بودند، اسناد مربوط به این واقعه را به بهانه گذشت زمان و گم‌شدن و ... در اختیار نداشتند. این ضربه بزرگی به کار بود. امید است اکنون که کامپیوتر در اختیار بشر قرار گرفته است، دست‌کم ادارات تمامی اسناد را اسکن و آنها را در جایی ذخیره کنند و در این مسیر، ابتداء تفکیکی بین اسناد قائل نباشند؛ زیرا گاهی یک سند به نظر یک کارمند بی‌ارزش است، اما همان سند از دید یک پژوهشگر باارزش و بیانگر مطلبی مهم محسوب می‌شود.

حوزه‌های درک‌پذیر. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۴، ۴.

مصاحبه‌ها

بصیرزاده، غلام‌رضا (۱۳۹۵). مصاحبه. آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران.
ربیع، ناصر (۱۳۹۵، ۱۲ اردیبهشت). مصاحبه. آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران.
صالح‌طبری، صمد (۱۳۹۳). مصاحبه. آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران.
طالبیان، حسن‌علی (۱۳۹۳، ۱۴ دی). مصاحبه. آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران.
عالی‌زاده، عبدالحمید (۱۳۹۳، ۳۰ دی). مصاحبه. آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران.
فلاح‌پور، احمد (۱۳۹۳، ۲۹ آبان). مصاحبه. آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران.
معلمی، علی. (۱۳۹۳، ۱۲ بهمن). مصاحبه. آرشیو اسناد و تحقیقات کنگره شهدای استان مازندران.

(۱۳۵۹-۱۳۶۷). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

چمران، مهدی (۱۳۶۴). جنگ و بازسازی. مجموعه مقالات ارائه‌شده در اولین کنفرانس بین‌المللی بازسازی مناطق جنگ‌زده. تهران: ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی و ستاد معین بازسازی خرمشهر.
حبیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). دشت آزادگان در جنگ (اطلس راهنما ۴). تهران: تابان.

ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده. (۱۳۶۱). گزارش پیشرفت بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده. تهران: مؤلف.
ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده. (۱۳۷۱). عملکرد ده‌ساله بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده آسیب‌دیده از جنگ. تهران: نهاد ریاست جمهوری.
ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی - جهاد سازندگی. (شهریور ۱۳۶۲). کارنامه یک‌ساله بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی - جهاد سازندگی. تهران: روابط عمومی ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی - جهاد سازندگی.

ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده. (فروردین ۱۳۶۳). اهم فعالیت‌های بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲. تهران: دبیرخانه ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده.
ستاد معین بازسازی و نوسازی خرمشهر. (۱۳۶۴). نمونه‌هایی از بازسازی و نوسازی شهر تاریخی دزفول. تهران: مؤلف.

سکندری، علی‌جانف و آذری خاکستر، غلامرضا (۱۴۰۱). آستان قدس رضوی و نوسازی هوپزه؛ با تأکید بر اسناد و تاریخ شفاهی. پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ۲(۲)، ۱۰۳-۱۲۴.

قربانیان، مهشید (۱۳۸۹). بازسازی بخش مرکزی شهرها؛ الگوی مداخله و دستورالعمل‌های مرمتی در خرده

